گزارش

آینده مذاکرات وین!

یوسف مولایی
حقوقدان واستاد دانشگاه

مشکل ایران این است که طرف‌های اصلی مذاکره کننده پیرامون احیای برجام همان صاحبان قدرت در شورای امنیت هستند که برای خود حق وتو را تعریف کردهاند. این بازیگران در حقوق بین‌الملل از مصونیت برخوردار هستند. چون شورای امنیت سازمان ملل به عنوان بزرگ‌ترین و مهم‌ترین مرجع توان برخورد با آنها را به عنوان اعضای دائم این شورا و صاحب حق وتو ندارد. در مقابل آن چون شورای امنیت یک نهاد سیاسی تلقی می‌شود در نهایت مواضع پنج کشور دارای حق وتو (آمریکا، روسیه، چین، انگلستان و فرانسه) با اهرم قدرت آنها می‌تواند به یک قطعنامه علیه ایران و یا هر کشور دیگری بدل شود که نهایتا می‌تواند خواستن حقوقی پیدا کند و به‌دنبال آن ایران یا هر کشور دیگری که طرف آن قطعنامه باشد تحت فشار قرار گیرد. واقعیت امر آن است که تازمانی که قطعنامه جدیدی از سوی اعضای دائم شورای امنیت مبنی بر لغو قطعنامه ۱۳۲۲ ارائه نشده باشد کماکان این قطعنامه به قوت خود باقی است. یعنی این قطعنامه در خصوص ایران فعال است. اگرچه، هم تهران و هم ۴+۱ و قبل‌تر از آن دولت ترامپ با خروج از برجام، متناسب با اقداماتشان سهمی در لغو بخشی از تعهدات مندرج در این قطعنامه داشته‌اند و می‌توان گفت چیزی از ۱۳۲۲ نمانده است، اما فعلا این قطعنامه علیه ایران فعال است. البته برپو نکته قبلی در خصوص منطق قدرت، قطعنامه ۱۳۲۲ آن امتیازاتی را که برای طرف‌های برجامی در نظر گرفته به ایران نداده است. حتی اگر تفسیر شما را هم بپذیریم، بالاتس قدرت در قطعنامه ۱۳۲۲ به سود ایران نیست. پس به‌رغم آنکه ایران در قطعنامه ۱۳۲۲ شاهد تصمیح حق خود است باید خویشتن‌داری لازم را به خرج بدهد و اقدامی برای لغو فاحش این قطعنامه انجام ندهد. درست است این اقدام غیرعادلانه است، اما حقوق بین‌الملل متکی به اخلاق و عدالت نیست، بلکه منطق قدرت است که حقوق بین‌الملل و چارچوب‌های رفتاری شورای امنیت را تعیین و تعریف می‌کند. یعنی شورای امنیت وقتی دائم‌الحاکم است از آنجا که بیشتر ثروت دنیا از فعالیت‌های آن به عنوان یک مرکز تجاری و مالی در منطقه ناشی می‌شود، ابوظبی به بازگشایی تجارت قانونی با ایران امید بسته است. شکست مذاکرات وین به اقتصاد این کشور آسیب خواهد زد. به همین ترتیب، اگر طرح «بی‌ب» به خصوصت‌های مسلحانه منجر شود، امارات متحده عربی باید شرایطی را به وجود بیاورد که به هدف پاسخ ناممکنِ ایران تبدیل نشود. صرف نظر از نتیجه مذاکرات برجام، سفر شیخ طحنون بیانگر ادامه رویه عادی امارات در بازنگه داشتن خطوط ارتباطی خود با همه بازیگران مهم است.

نگره

امید به احیای برجام

ادامه از صفحه ۳/

در عوض، امارات‌ها تلاش‌های خود را در جنوب یمن متمرکز کردند و یک اتحاد قوی با شورای انتقالی جنوب تشکیل دادند. سرانجام، امارات از ائتلاف عربی به رهبری عربستان سعودی برای مداخله در یمن خارج شد، اما به طور سیستماتیک نفوذ و حضور خود را در جنوب گسترش داد، از جدایی طلبان یمن جنوبی حمایت کرد. حمایت امارات از جدایی طلبان جنوبی ضد عبدربه منصور هادی و کنار گذاشتن ائتلاف تحت رهبری عربستان سعودی علیه حوثی‌ها، این ظن را ایجاد کرده است که ابوظبی اساساً علیه ریاض کار می‌کند نه ایران. این عوامل و همچنین شکست مذاکرات هسته‌ای در وین به توضیح دلیل سفر شیخ طحنون به تهران کمک می‌کند. این سفر منعکس کننده تمایل ابوظبی برای جلوگیری از متحمل شدن آسیب‌های جانبی در صورت مواجهه با شکست مذاکرات وین و اجرای طرح بی توسط ایالات متحده است. ابوظبی برای تأثیرگذاری بر روند مذاکرات در وین بسیار تلاش می‌کند، اما منافع خود را نیز دارد. پس از خروج دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا از برجام در سال ۲۰۱۸، امارات متحده عربی بر اثر تحریم‌ها علیه ایران آسیب اقتصادی جانبی قابل توجهی متحمل شد. از آنجا که بیشتر ثروت دبی از فعالیت‌های آن به عنوان یک مرکز تجاری و مالی در منطقه ناشی می‌شود، ابوظبی به بازگشایی تجارت قانونی با ایران امید بسته است. شکست مذاکرات وین به اقتصاد این کشور آسیب خواهد زد. به همین ترتیب، اگر طرح «بی‌ب» به خصومت‌های مسلحانه منجر شود، امارات متحده عربی باید شرایطی را به وجود بیاورد که به هدف پاسخ ناممکنِ ایران تبدیل نشود. صرف نظر از نتیجه مذاکرات برجام، سفر شیخ طحنون بیانگر ادامه رویه عادی امارات در بازنگه داشتن خطوط ارتباطی خود با همه بازیگران مهم است.

دکتر عبدالحسین مختاباد در گفت‌وگو با «آرمان ملی»:

هنرمندان به جای «آزادی و شکوفایی» نباید دنبال «نان» باشند

عکس: آرمان ملی/ اطاهره فتاحی

دولت‌ها همواره به هنرمندان «سوءظن» داشته‌اند

انتظار نداریم رئیسی برای هنرمندان فرش قرمز پهن کند

خواستند برای شجریان رقیب بتراشند اما رقیب تیشه به ریشه هنر زد

با آنارشیسم در نظام موسیقی مواجه هستیم

فرهنگ و هنر یکی از شاهراه‌های اصلی شکوفایی اقتصادی است

دولت وارث نابه‌سامانی‌های فرهنگی دهه‌های گذشته است

در تولید آثار هنری با پسروی مواجه هستیم

آرمان ملی - احسان انصاری: فرهنگ و هنر چه جایگاهی برای دولت دارد و چرا در اولویت‌های کلیدی دولت قرار نگرفته است؟ این سؤالی است که «آرمان ملی» در گفت‌وگو با دکتر عبدالحسین مختاباد خواننده سرشناس کشور و عضو اسبق شورای شهر تهران مورد تحلیل و بررسی قرار داده است. به نظر می‌رسد چالش‌های اقتصادی و بین‌المللی به اندازه‌ای وقت و انرژی دولت را صرف خود کرده که فرهنگ به عنوان یکی از موتورهای محرکه جامعه مورد غفلت قرار گرفته است. در طول زمانی که از عمر دولت می‌گذرد هنوز برنامه جامع و کاربردی برای اهالی فرهنگ و هنر ارائه نشده و فضا برای حضور در عرصه تصمیم‌گیری برای اهالی فرهنگ و هنر فراهم نشده است. در این زمینه دکتر مختاباد به سؤالات «آرمان ملی» پاسخ می‌دهد که در ادامه می‌خوانید.

چرا در میان هیاهوهای اقتصادی و سیاسی پیرامون دولت موضوع فرهنگ به حاشیه رفته است؟ مهم‌ترین دغدغه‌های اهالی فرهنگ در دولت آقای رئیسی چیست؟

شرایط امروز جامعه ایران شرایط ویژه‌ای است و ما مشاهده می‌کنیم اقشار مختلف مانند معلمان، کارگران، کارمندان و مردمی که با مشکلات اقتصادی مواجه هستند در خیابان‌ها اعتراض می‌کنند. این وضعیت در شأن مردم ایران نیست. یکی از اشتباهاتی که توسط برخی در ابتدای انقلاب صورت گرفت این بود که مرتب درباره مستضعفین شعار می‌دادند. این در حالی است که ایران کشور مستضعفی نیست، بلکه کشور ثروتمندی در خاورمیانه به شمار می‌رود که اگر سیاست‌ها و برنامه‌های مناسبی در دهه‌های گذشته اجرا می‌شد امروز یک کشور ثروتمند بود. ایران می‌توانست کشوری باشد که رشک کشورهای دیگر را برانگیزد. کسانی که به دنبال تشکیل دولت مستضعفین بودند رویکرد اشتباهی در پیش گرفتند. به‌عنوان کسی که در این کشور فلسفه هنری و فرهنگی می‌کنم خود را شاگرد معلمی می‌دانم که در خیابان به دنبال مطالبات اقتصادی خود است تا زندگی بهتری داشته باشد. مشکل بزرگی که در زمینه فرهنگی وجود دارد این است که دولت‌ها همواره با حالت سوءظن به هنرمندان و اهالی فرهنگ نگاه کرده‌اند. هنر عالی‌ترین مرتبه زندگی و نهاد انسانی است. نه تنها در جوامع مدرن و بلکه در جوامع قدیمی نیز فرهنگ و هنر جایی‌ترین نهاد انسانیت بود. حضرت سعدی در این زمینه می‌فرماید: «تن آدمی شریف است به جان آدمیت.» منظور از جان در این شعر همان زیبا و هنر است. حسین علیزاده درباره فعالیت هنرمندان در دهه‌های اخیر حرف خوبی زد و گفت: «ما در این سال‌ها یک دستمان سار بود و یک دستمان سیر.» من به‌عنوان یک هنرمند برای اجرای موسیقی در این کشور باید ده‌ها نفر را فالیع می‌کردم که کار من کار بدی نیست. اگر برداشت صحیحی از مسائل فرهنگی و دولت داشت و قضیه را ایدئولوژیک نمی‌کردند به بار آوردن ابزار برای ایجاد شغل، امنیت و رفاه در جامعه بود. فرهنگ برای توسعه اقتصادی ریل‌گذاری می‌کند. در جامعه‌ای که هنر و فرهنگ رشد داشته باشد اقتصاد آن نیز رشد می‌کند و سرمایه‌داران خارجی برای سرمایه‌گذاری در چنین جامعه‌ای ترغیب می‌شوند.

> کسانی که اجازه ندادند شجریان کنسرت بدهد و تلاش کردند برای او رقیب بتراشند به این فکر نکردند که این رقیب در نهایت تیشه به ریشه فرهنگ و هنر و اندیشه این کشور خواهد زد. هنری که روزی آقایان قبول نداشتند امروز به‌صورت افسارگسیخته در حال تبلیغ شدن است

چگونه می‌توان از مسیر فرهنگ و هنر به اقتصاد شکوفا رسید؟

فرهنگ و هنر یکی از شاهراه‌های اصلی شکوفایی اقتصادی است. هنرمندان هیچ‌گاه از دولت‌ها درخواست وام یا مزایای اقتصادی نکرده‌اند و تنها از آنها خواسته‌اند اجازه داده شود آثار هنری خود را در اختیار جامعه قرار بدهند. امروز از صنعت سینما و صنعت موسیقی و صنعت رسانه صحبت می‌شود. این صنایع قرار است توسط چه کسانی در جامعه رشد پیدا کنند؟ بدون تردید سینماگران، موسیقی‌دانان و اهالی فرهنگ باید با آثاری که تولید می‌کنند به این صنایع رونق بدهند و زمینه‌های رشد آنها را فراهم کنند. هنگامی که برخی هنر را به سخره می‌گیرند و گمان می‌کنند اگر برای هنر سرمایه‌گذاری کنند در واقع ولخرجی کرده‌اند و به‌جای آن سرمایه‌ها را در اختیار کسانی قرار می‌دهند که مشخص نیست در چه راهی مصرف می‌شود نتیجه وضعیتی می‌شود که امروز در جامعه مشاهده می‌کنیم. در جامعه‌ای که استاد دانشگاه و معلم آن تحقیر می‌شوند نمی‌توان انتظار رشد اخلاقی داشت و نتیجه بی‌اخلاقی‌هاست که امروز در جامعه مشاهده می‌کنیم. دولت آقای رئیسی نیز وارث نابه سامانی‌های فرهنگی در دهه‌های گذشته بوده است. کسانی که در طول چهار دهه گذشته مسئولیت‌های کلان اقتصادی، سیاسی و فرهنگی جامعه را در اختیار داشته‌اند باید نسبت به وضعیت امروز پاسخگو باشند. هنرمندان که مسئولیتی در این کشور نداشته‌اند و درخواستی از مسئولان نداشته‌اند. می‌خواستم در فلان شهر کنسرت برگزار کنم، می‌گفتند امام‌جمعه یا فلان گروه فشار مخالف است. فلان کارگردان فیلم ساخته بود اما فیلم را از پرده سینما پایین کشیدند. مسئولان کشور اهم از اصلاح‌طلب و اصولگرا امروز باید پاسخ بدهند که در طول دهه‌های گذشته با آن‌همه پولی که از فروش نفت این کشور حاصل شده به چه میزان در فرهنگ و هنر سرمایه‌گذاری کرده‌اند؟ چرا کسی حاضر نیست از این نوع مدیریت دفاع کند؟ هنرمند واقعی اصغر فرهادی بوده که بدون اینکه از کسی وام بگیرد، سرکسی را کلاه بگذارد و یا کسی زد و بند کند آثار هنری تولید کرده و نام ایران را در جهان بلندآوازه کرده و برای فرهنگ و هنر این کشور افتخار آفریده است. هنرمندان در طول این سال‌ها درخواستی از کسی نداشته‌اند جز اینکه بگذارند نفس بکشند و زندگی کنند. به‌عنوان یک هنرمند هیچ‌گاه انتظار ندارم آقای رئیسی برای ما فرش قرمز پهن کند. ما انتظار داریم دولت به درد مردم برسد و اجازه بدهد هنرمندان بدون مانع فعالیت کنند و آثاری تولیدکننده که در شأن مردم ایران باشد.

یکی از مهم‌ترین دغدغه‌های اهالی فرهنگ و هنر نداشتن نگاه امنیتی دولت‌ها به مسائل فرهنگی است. به نظر شما دولت سیزدهم در مسیری حرکت می‌کند که نگاه امنیتی به مسائل فرهنگی صورت نگیرد؟

امروز ما با یک دولت راست‌گرا مواجه هستیم. با این‌وجود در دولت‌های چپ‌گرا نیز این راست‌گرایان بودند که درباره مسائل فرهنگی و هنری موضع‌گیری می‌کردند. اگر ما به سرنوشت وزرای فرهنگ و ارشادی که قصد تغییر و تحول داشتند نگاه کنیم متوجه می‌شویم که آنها به سرنوشت خوبی دچار نشدند. در چنین شرایطی طبیعی است که آن کسی که می‌خواهد رای بدهند دقت بیشتری خواهند کرد و هم کسانی که می‌خواهند در انتخابات نامزد شوند احساس می‌کنند اگر مسأله‌ای باشد برملا خواهد شد و مهم‌تر از همه افرادی که خبرهای ناموثق را می‌آورند، بیشتر مراعات خواهند کرد.

تاثیر این نامه بر افکار عمومی را چه می‌دانید و آیا با وجود انتشار این نامه باز هم می‌شود در انتخابات آینده مردم را به مشارکت دعوت کرد؟

اگر پاسخگو بودن جا بیفتد و به صورت یک گفتمان دربیاید و صدا و سیما و رسانه‌های مستقل منتشر کنند و افکار عمومی را قانع کنند به مشارکت حداکثری مردم کمک شایانی خواهد کرد.

آینده سیاسی آقای علی لاریجانی را بعد از انتشار نامه شورای نگهبان چه می‌دانید؟

آقای لاریجانی اگرچه به نظر ما یک اصولگرای معتدل است که اخبار غیرموثقی که به شورای نگهبان می‌رسد و آن کسانی که اخبار غیرموثق را برای شورا ارسال می‌کنند دیگر دست از این رفتارها برمی‌دارند.

این نامه نگاری بین شورای نگهبان و آقای لاریجانی یک نقطه عطفی بود در سرنوشت انتخابات آینده ما که اگر روال عادی و طبیعی خودش را پیدا کند، یعنی سیاست‌های ابلاغی جزو وظایف قانونی باشد هم کسانی که در شورای نگهبان

محمدرضا خباز در گفت‌وگو با «آرمان ملی»:

اصلاح‌طلبان حزب واحد تشکیل دهند

حق مسلم فرد است دلایل رد صلاحیتش را بداند

از ظرفیت آقای لاریجانی نباید عبور کرد

آرمان ملی: بعد از انتخابات خرداد ماه ۱۴۰۰ و در حالی که تب و تاب انتخاباتی فروکش کرده بود با انتشار نامه شورای نگهبان به علی لاریجانی که در آن دلایل عدم احراز صلاحیت وی برشمرده شده بود، بحث انتخابات ۱۴۰۰ بار دیگر داغ شد. هرچند محتوای نامه بازتاب رسانه‌ای فراوانی داشته است اما تا این لحظه تنها واکنش از سوی نهادهای رسمی مربوط به قوه قضائیه بود که سخنگوی قوه قضائیه با اشاره به انتشار نامه شورای نگهبان به علی لاریجانی درباره رد صلاحیت او در انتخابات ریاست جمهوری، گفت: در مورد این نامه اگر مشخص شود از ناحیه ایشان منتشر شده قابل تعقیب و پیگیری است ولی باید از سوی دستگاه‌های اطلاعاتی بررسی شود که این نامه‌ای که مهر محرمانه دارد توسط چه کسی منتشر شده است. در این راستا برای بررسی بازتاب انتشار نامه شورای نگهبان، واکنش‌ها و سایر تحولاتی که در سپهر سیاست ایران می‌گذرد «آرمان ملی» با محمدرضا خباز، عضو شورای مرکزی حزب اعتماد ملی و استاندار سابق سمنان به گفت‌وگو پرداخته است که می‌خوانید.

عکس: آرمان ملی/ حجت سپهوند

ارزیابی شما از دلایلی که برای رد صلاحیت علی لاریجانی ارائه شده است، چیست؟

مطلبی که در پاسخ آقای لاریجانی داده بودند از قوت خیلی بالایی برخوردار نبود. چون اهمیت هر نامه‌ای به نویسنده هر نامه و مخاطب نامه ارتباط پیدا می‌کند. یعنی در همین هر نامه‌ای اهمیت بالایی دارد یکی نویسنده و دیگری گیرنده نامه، بنابراین محتوا باید متناسب باشد با نویسنده و گیرنده نامه؛ این نامه سنت جدیدی را داشت، اولا اینکه آقای لاریجانی متهم شده بود به حمایت از دولت قبل؛ اگر این کار، کار خطایی است کسانی که رئیس‌جمهور قبل را تایید کرده‌اند، ایراد به آنها برمی‌گردد. یعنی اگر این کار خلاف باشد چه کسی آقای دکتر روحانی را تایید کرد که این اتفاق افتاد؟ طبیعتا شورای نگهبان، بنابراین همه روسای جمهور بعد از انقلاب پس از تشکیل شورای نگهبان توسط شورای نگهبان تایید شدند. خطاهایی صورت گرفته را باید شورای نگهبان هم برعهده بگیرد. دوما اینکه به عنوان ایراد در نامه ذکر شده است که برجام در ظرف ۲۰ دقیقه و در یک جلسه سریع تصویب گردید، در این مورد هم اگر ایرادی وجود دارد، طبیعتا شورا باید جلوی این کار را هم می‌گرفت. از همه مهم‌تر کیست که در این کشور نداند مذاکرات برجام با تایید رهبری بوده است. هیچ جا نبوده که مسئولان در مذاکرات بدون هماهنگی ورود کرده باشند. البته ایشان یکسری تحفظهایی داشتند یعنی می‌گفتند که اگر می‌خواهید مذاکره داشته باشید، مذاکره را به این گونه پیش ببرید که کلاه سرتان نرود ولی ایشان هیچگاه با مذاکره، مذاکرات و برجام مخالف نبودند چون اگر نمایندگان می‌دانستند که رهبری با برجام مخالف هستند اصلا برجام را تصویب نمی‌کردند (همان طور که در زمان مطرح شدن قانون مطبوعات در مجلس ششم رهبری مخالفت خود را به اطلاع رئیس و هیات رئیسه مجلس رساندند) بنابراین اگر با برجام مخالف بودند طبق روال گذشته نظر خودشان را منتقل می‌کردند. سوما نامه‌ای است که آقای علی مطهری نوشته است و جای خیلی سوالات و کنکاش‌هایی دارد و آن اینکه ایشان می‌گوید خواهر من که همسر آقای علی لاریجانی است در هیچ سفر داخلی و خارجی در زمانی که آقای لاریجانی رئیس مجلس بودند، همراه ایشان نبودند و حتی زمانی که به دعوت مجلس در روز زن با ماشین پراید به مجلس آمده حتی نگهبان دم دراجازه ورود نمی‌داده و وقتی خودش را به عنوان همسر رئیس مجلس معرفی کرده باور نمی‌کردند که همسر رئیس مجلس با پراید تردد کند. این موضوع با اینکه شورای نگهبان آقای لاریجانی را متهم کرده‌اند به بریز و بپاش و بی توجهی به بیت المال خیلی مناسبت ندارد. نظرم این است که همه افرادی که تا به‌حال (منظورم از همه کسانی که شخصیت‌های برجسته‌ای هستند و رد صلاحیت آنها خلاف انتظار بود مثل مرحوم اکبر هاشمی در انتخابات سال ۱۳۹۲، دیگر شخصیت‌ها مثل آقای پزشکیان و آقای لاریجانی در این دوره از انتخابات) تایید صلاحیت نشده‌اند اگر شورای نگهبان به اینها پاسخ دهد و طبق سایت‌های ابلاغی از سوی رهبری در رابطه با انتخابات وظیفه شورای نگهبان پاسخ کتبی دادن به افراد رد صلاحیت شده است اگر اینها را مراعات کنند خیلی از ایرادها که الان وارد می‌کنند، برطرف می‌شود. به این معنی که حق مسلم فرد است که اگر تایید صلاحیت نشده است همزمان با ابلاغ عدم تایید صلاحیت به او بگویند به چه دلیل تایید نشده است، این یک خاصیت پاسخگو بودن است. خاصیت دوم این است که اخبار غیرموثق که به شورای نگهبان می‌رسد و آن کسانی که می‌خواهند رای بدهند دقت بیشتری خواهند کرد و هم کسانی که می‌خواهند در انتخابات نامزد شوند احساس می‌کنند اگر مسأله‌ای باشد برملا خواهد شد و مهم‌تر از همه افرادی که خبرهای ناموثق را می‌آورند، بیشتر مراعات خواهند کرد.

> کسانی که اجازه ندادند شجریان کنسرت بدهد و تلاش کردند برای او رقیب بتراشند به این فکر نکردند که این رقیب در نهایت تیشه به ریشه فرهنگ و هنر و اندیشه این کشور خواهد زد. هنری که روزی آقایان قبول نداشتند امروز به‌صورت افسارگسیخته در حال تبلیغ شدن است

تاثیر این نامه بر افکار عمومی را چه می‌دانید و آیا با وجود انتشار این نامه باز هم می‌شود در انتخابات آینده مردم را به مشارکت دعوت کرد؟

اگر پاسخگو بودن جا بیفتد و به صورت یک گفتمان دربیاید و صدا و سیما و رسانه‌های مستقل منتشر کنند و افکار عمومی را قانع کنند به مشارکت حداکثری مردم کمک شایانی خواهد کرد.

آینده سیاسی آقای علی لاریجانی را بعد از انتشار نامه شورای نگهبان چه می‌دانید؟

آقای لاریجانی اگرچه به نظر ما یک اصولگرای معتدل است، نظام باید از وجود ایشان در هر زمانی استفاده کند. آقای لاریجانی دارای تجربیاتی است و از پختگی‌هایی برخوردار است، اگرچه ایشان اصولگرا است و ما اصلاح‌طلب هستیم در عین حال نبایـــد از کنار این ظرفیـــت آقای لاریجانی عبور و بی‌توجهی کرد و باید از وجود او استفاده شود. کشور به سمت اعتدال حرکت می‌کند و افراد تندرو ممکن است مدت کوتاهی جولان بدهند و این اعتدال است که ماندگار خواهد بود. تندروی مانند کف روی آب است و اعتدال مثل خود آب است. بنابراین کف روی آب برطرف خواهد شد و شرایط برای نیروهای معتدل اصلاح‌طلب و اصولگرا، آقای لاریجانی را من یک شخصیت متوازن و معتدل و جا افتاده می‌دانم و برای ایشان در آینده شرایط خوبی رقم خواهد خورد.

از دیدگاه شما در آینـــده آقای لاریجانی با سســـت اصلاح‌طلبان حرکت خواهد کرد؟

بعید است چنین اتفاقی رخ بدهد. اگر می‌خواست این گونه باشد دو طیف اصلاح‌طلب و اصولگرا تشکیل نمی‌شد. سن و سال شما شاید ایجاب نکند در اول انقلاب یک جامعه روحانیت بیشتر نداشتیم، در همان دور اول مجلس به این نتیجه رسیدند که جدا بشوند و به دو تفکر دارند. بنابراین تحت عنوان جامعه روحانیت و مجمع روحانیون جدا شدند. جامعه روحانیت اراء خودش را رفت و مجمع روحانیون هم راه خودش را. بنابراین بعید است که آقای لاریجانی نامزد جناح اصلاح‌طلب باشد. مگر اینکه در تنگنای نامزد قرار بگیرند یا اینکه دو جناح اصلاح‌طلب و اصولگرا با هم حزب تشکیل بدهند. تشکیل حزب مبنای فکری هماهنگ نیاز دارد، بعید به نظر می‌رسد که اصلاح‌طلبان و اصولگرایان با هم حزب داشته باشند یا اینکه از ابتدا هر دو جناح یک نامزد معرفی کنند. اگر در کمبود نامزد انتخاباتی قرار بگیرند مانند سال ۱۳۹۲ و ۱۳۹۶ ممکن است اصلاح‌طلبان هم به اصولگرایان کمک کنند. در انتخاب آقای روحانی به عنوان یک شخصیت اصولگرا، اصلاح‌طلبان در انتخابات سال ۱۳۹۲ و ۱۳۹۶ به کمک اصولگرایان آمدند. این احتمال هست و باید منتظر شرایط زمان و مکان بود.

مدتی است صحبت از تشکیل حزب فراگیر هم از سوی اصولگرایان و هم از سوی اصلاح‌طلبان مطرح می‌شود، فکر می‌کنید آقای لاریجانی در راستای تشکل حزب واحد تلاش خواهد کرد؟

تشکیل حزب واحد در هر دو طیف اصلاح‌طلب و اصولگرا منتهی آرزوی ماست که تعداد احزاب در حد معمول آن خوب است. دو، سه، چهار اما الان ۲۰۰ حزب در وزارت کشور ثبت نام کرده‌اند. بعضی از این احزاب حزب خانوادگی هستند. یعنی آقا و خانم و دو تا دختر یا پسرش به همراه عروس و داماد، شده‌اند یک حزب، اینکه حزب نشد. بنابراین آرزوی ما هم ادغام این احزاب و تشکیل حزب واحد است و ما در مجلس هشتم طرح مربوط به آن را نوشتیم و تصویب هم شد برای ادغام احزاب در یکدیگر یعنی الان ابزار آن آماده شده و باید نیت‌ها و افکار سران احزاب متفاوت و متعدد به این نتیجه برسند که در هم ادغام بشوند و حزب فراگیر تشکیل بشود. پس آرزوی ما این است، اما اینکه این امر تحقق پیدا خواهد کرد یا نه، باز باید منتظر زمان بود. در مورد نقش آقای علی لاریجانی در تشکیل حزب واحد و فراگیر اصولگرایان به نظرم نه! چون اگر می‌توانست ایشان تایید می‌شد. اگر ایشان می‌توانست این کار را بکند و جمع خود مجلسی‌ها را داشته باشد که ۲۲۰ نماینده مجلس به آقای رئیسی نامه نمی‌نوشتند که به عنوان نامزد انتخابات ریاست جمهوری داوطلب شود. اگر ایشان می‌توانست شورای نگهبان ایشان را رد صلاحیت نمی‌کرد. در شرایط موجود ایشان نمی‌تواند اما در آینده که تجربیات و عبارت‌های جدیدی برای محافظه کاران و اصولگرایان پیش بیاید احتمال آن ممکن است.

یادداشت

رعایت اصول

علی محمد نمازی
فعال سیاسی اصلاح‌طلب

کشورها از روز اول ایجاد، به روابط مسالمت آمیز با یکدیگر و از جمله قدرت‌های مطرح جهانی و به‌ویژه همسایگان خود نیاز داشته‌اند. تجربه تلخ جنگ جهانی اول و دوم و نزاع‌های بین کشوری و منطقه‌ای کار را به جایی رسانید که برای جلوگیری از جنگ و ادامه درگیری‌ها و کمک به ترویج صلح؛ سازمان ملل بعد از جنگ جهانی دوم تاسیس گردید، اگرچه این سازمان به وسیله اهرم خود یعنی شورای امنیت نتوانسته مطابق منشور مربوطه و به‌طور رضایت بخشی مانع نزاع‌ها و پیگیر صلح عادلانه باشد اما در یک موضوع موفق بوده و آن تشویق علی معضلات از طریق گفت‌وگوهاست. در نقطه مقابل «خود حق بینی و آرمان خواهی بدون لحاظ شرایط» باعث شده ناخواسته گرفتار ارزشگرایی غیر واقعی در موضوع حل مشکلات و معضلات گردیم. در این خصوص می‌توان به دو نمونه اخیر آن توجه کرد: نخست اینکه؛ گفت‌وگوی غیر مستقیم بین ایران و آمریکا در مذاکرات برجام و درخواست یا اظهار خوشحالی از وساطت عراق بین عربستان و ایران به منظور اصلاح روابط بین کشور است. سوالی که در ذهان وجود دارد این است که مگر بر سر رسمیت گرفتن آمریکا و مشروعیت دولت آن مشکلی وجود دارد که هیأت ایرانی بعد از مذاکرات مفصل و سازنده آقایان ظریف و جان کری، اکنون به‌طور غیرمستقیم مذاکره بکنند. در دوره ترامپ آمریکا و کره شمالی با هم مذاکره نمودند. تنها ایران و دو سه کشور دیگر با آمریکا رابطه ندارند. اگرچه در قرآن و از جمله آیه ۹ سوره حجرات توصیه اکید به میانجیگری شده است، اما اگر افراد و سران کشورها رشید و قادر به تشخیص و دفاع از منافع واقعی کشور باشند، چه نیازی به وساطت دیگران است. از طرفی باید توجه داشت که منافع خود آن کشور اولی‌تر از منافع ایران است. مهم است که پیشنهاد وساطت از ناحیه کدام یک از طرف‌ها بوده و نتیجه هم باید عادلانه باشد.

دیدگاه

چالش‌های داخلی انگلستان

اردشیر سنایی
استاد دانشگاه

در چندوقت اخیر چالش‌های بی‌شماری گریبان بوریس جانسون و حزب محافظه کار را گرفته و به شدت بر میزان محبوبیت آنها تاثیر گذاشته است. چندی پیش افشای ویدئو و تصاویر برگزاری جشن سال نو در پایان سال ۲۰۲۰ در دفتر نخست وزیر به‌رغم وجود محدودیت‌های کرونایی فشار خرد کننده‌ای بر جانسون وارد ساخت که هنوز نتوانسته از آن فرار کند. این رسوایی کناره گیری چند نفر در دفتر نخست وزیر را موجب گشت. به غیر از آن دخالت جانسون در پرونده پترسون نماینده منطقه نورث‌ایشایر و تلاش برای متوقف کردن آنهم باعث خسارت‌های فراوانی به هر دو طرف شد که نتیجه آن را در انتخابات میان دوره‌ای پارلمان دیدند. شکاف و اختلاف در حزب محافظه کار هم روز به روز در حال افزایش است. این اختلاف در پارلمان و به هنگام رای گیری مربوط به مقررات گذرنامه واکسیناسیون مشهود بود که ۹۸ نماینده حزب به آن رای منفی دادند. از سوی دیگر گسترش ابتلا به کرونا و سویه امیکرون دولت انگلیس را در مخاطره جدی قرار داده و دولت ناچار شد مجددا محدودیت‌ها را بازگذارد که قطعا هم به نارضایتی عمومی دامن خواهد زد و هم اقتصاد انگلستان را در شرایط نامناسب قرار خواهد داد. دولت جانسون با انواع مشکلات اقتصادی به جای مانده از گذشته و تشدید شده در نتیجه کرونا و برگزیت نیز مواجه است. اجرای برگزیت و کرونا شرایط دشواری را برای آن کشور در طول سال‌های ۲۰۱۹ تا ۲۰۲۱ به ارمغان آورد. در چند ماه گذشته مشکلات ایجاد شده در مسیر عبور کالاها به ویژه در مرز دو ایرلند و کمبود رانندگان حامل تانکرهای حامل سوخت شرایط دشواری را پیش روی شهروندان بریتانیایی قرار داده و باعث انتقادات گسترده علیه دولت شد. در این بین افزایش قیمت حامل‌های انرژی نیز فشار بیشتری بر مردم وارد ساخت. گذشته از آن وجود انواع اتهامات مربوط به فساد و نقض قانون در دولت حجم انتقادات را در سطح مطبوعات و احزاب در داخل و خارج از پارلمان افزایش داده است. انگلستان پس از اجرای نهایی برگزیت هنوز نتوانسته مناسبات متعادلی با اتحادیه اروپا برقرار نماید. تنش‌های مختلف سیاسی، اقتصادی، نظامی و امنیتی کماکان بین دو طرف دیده می‌شود. عدم صدور مجوز ماهیگیری به کشتی‌های اروپایی در آب‌های مجاور انگلیس از جمله مباحث مورد اختلاف طرفین است. به غیر از آن انعقاد پیمان آکوس میان انگلستان، آمریکا و استرالیا تنش‌هایی را بین فرانسه که از این پیمان متضرر شده بود با انگلستان به ارمغان آورد. مشکلات ناشی از بحران مهاجران کماکان دولت جانسون را نیز با دشواری‌هایی روبه‌رو ساخته است. این موضوع در کنار انتقادات از نحوه مدیریت در خروج نیروهای نظامی انگلیس از افغانستان و نیز نحوه حمایت از پناهجویان افغانستانی انتقادات زیادی را به دولت جانسون وارد کرده است. در کنار موارد فوق استعفای وزیر برگزیت به دلیل اختلاف نظر با جانسون در مورد اجرای برگزیت از دیگر چالش‌هایی است که این روزها بوریس جانسون و حزب محافظه کار با آنها روبه‌رو هستند. نظرسنجی‌ها حاکی از کاهش محبوبیت جانسون و حزب محافظه کار است هرچند کماکان این حزب از رقیبش(حزب کارگر) پیش است. با وجود چالش‌های برشمرده شده و با عنایت به نتایج انتخابات میان دوره‌ای به نظر می‌رسد روزهای سختی پیش روی دولت جانسون است و اگر کماکان بتواند رای اعتماد پارلمان را داشته باشد شاید در انتخابات پارلمانی آتی ضربه سختی به همراه خزیش دریافت کند.

مسئولان باید از خود این سؤال را بپرسند که چه اتفاقی در جامعه رخ داده که آثار هنری به‌جای اینکه متناسب با شرایط روز جامعه پیشرفت کند دچار پسروی شده است؟ امروز ما باید در وضعیتی قرار داشته باشیم که اوج شکوفایی فرهنگی و هنری کشور باشد. این در حالی است که وضعیت بدتر از دهه ۶۰ شده است

از اهرم‌های قضائی، نظامی و اقتصادی بالاتری برخوردار است تصمیم‌گیرنده اصلی است. آقای باقری کنی که در شرایط کنونی رئیس تیم مذاکره‌کننده ایران در وین است در پاسخ به سؤال اینکه شما در گذشته با برجام مخالف بودید عنوان کرد: «درگذشته من کنش‌گر بودم و به‌عنوان یک کنش‌گر با برجام مخالفت می‌کردم.» واقعیت این است که کنش‌گری این طیف فکری با کنش‌گری فردی مانند من تفاوت‌های معناداری دارد. من کنش‌گری هستم که از دید این افراد «غ» می‌زنم اما این گروه کنش‌گرانی هستند که از ابزارهایی برخوردارند که می‌توانند دیگران را محاکمه کنند و به زندان بیندازند. در این کشور یک کارگردان سینما جایزه اسکار برده که یک افتخار جهانی است اما رئیس‌جمهور کشور برای تقدیر از چنین فردی ترس و واهمه دارد. آقای روحانی که رأی مردم را پشت خود داشت و به‌واسطه حمایت